



کتاب «زنان جبهه جنوبی: روایت پشتیبانی جنگ اهواز» با تحقیق مریم مرادی گوہ‌آباد و قلم نرگس اسکندری به‌تازگی توسط انتشارات راه‌یار منتشر و روانه بازار نشر شده‌است. صحنه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی همواره شاهد حضور بانوان در خط مقدم میدان بوده‌است، از تظاهرات علیه رژیم پهلوی تا عرصه‌های علمی پس از انقلاب. قله این‌حضور پرشکوه را می‌توان در عرصه دفاع‌مقدس دید. جایی که زنان

### «زنان جبهه جنوبی» در بازار نشر

پشتوانه مستحکم مردان دلیر برای دفاع از مرزهای انقلاب اسلامی بودند. «زنان جبهه جنوبی» به این‌حضور مؤثر می‌پردازد. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «رزمندگان پنجه به پنجه دشمن که می‌گذاشتند، خوارخوار لباس‌های زخم‌خورده روی دستان کشور باقی می‌ماند. نمی‌شد که همه آنها را دور ریخت. همان دست‌هایی که با قدرت به لباس‌ها مشّت می‌زدند، حالا باید با ظرافت، نخ و سوزن به دست

می‌گرفتند. لباس‌ها به دست مادران دوباره زنده می‌شدند و به همراه خود، مهر مادری را برای رزمندگان هدیه می‌بردند. این‌غیور زنان تاریخ، از چایخانه تا زینبیه و حتی از خانه‌های خود، خیاط‌خانه‌هایی ساختند و در سرمای جنگ، بر تن رزمندگان، یزشکان، بیماران و گاهی هم شهدا لباس نو پوشاندند.» زنان جبهه جنوبی در ۲۱۶ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۷۰ هزار تومان عرضه شده‌است.



مریم فلاح نویسنده و پژوهشگر

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد مهدی میرباقری، همواره مخالف ارتباط منفعلانه با جهان غرب بوده و انقلاب اسلامی ایران را آغاز احیای مجدد اسلام از لحاظ اجتماعی و بازگشت آن به عرصه تمدنی می‌داند. در مسائل معطوف به انقلاب اسلامی به نوبه خود به تقویت جبهه سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی و تبیین نظریه «تمدن نوین اسلامی» کمک کرده تا آنجا که در مورد موضوعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد تأکید امام‌راحل(ره) و رهبر معظم انقلاب به ارائه تحلیل‌های راهبردی پرداخته‌است؛ موضوعاتی چون رسالت انقلاب اسلامی، اسلام آمریکایی، نهضت تولید علم دینی، الگوی پیشرفت، تحول در حوزه، روشنفکری بیمار، مبانی دینی هنر و سینما، بیداری اسلامی، اقتصاد مقاومتی، سبک زندگی، پروژه نفوذ و....

در متن پیش‌رو که گفت‌وشنود مدیران سیما با میرباقری است، وی از یک جنگ شناختی صحبت می‌کند. جنگی ورای نبردهای نظامی، انقلاب‌های مخملی و محاصره‌های اقتصادی. او ابزار جنگ شناختی را امپراتوری هنر و رسانه‌ای غرب می‌داند و از بنگاه‌های بزرگ خبری، هالیوود، فضای مجازی و تلویزیون به‌عنوان پشتیبان این امپراتوری یاد می‌کند. میرباقری در مرحله جنگ شناختی، معتقد است که باید در برابر ماموریت رسانه‌ای آنها رسانه‌های ما هم به‌دنبال تربیت انسانی در تراز تمدن اسلامی، انقلاب اسلامی و عصر ظهور باشند. وی با تأکید بر رسالت رسانه در ارائه تصویری روشن، مبتنی بر یک نظام فکری بزرگ که در آن کل نظام هستی و مسیر حرکت انسان به سمت غایات دیده شود از رسانه ملی می‌خواهد که مطالبات مردم را از بستر حرکت به سمت ظهور عبور دهد و آن را به یک مطالبه روشن تبدیل کند. تحول در لایه‌های سازمانی رسانه، نقش رسانه در سبک زندگی و مناسبات اجتماعی و تعامل حوزه و صداوسیما بخشی دیگر از اشارات رئیس فرهنگستان علوم اسلامی است.

#### راهبرد هدایت رسانه در جنگ شناختی

رسانه، ملتی را تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد در نتیجه، سیاست‌گذاری‌های آن در مقیاس بزرگی نتیجه می‌دهد. رسانه‌های مدرن، متعهد به بسترسازی برای تحقق الگوی توسعه در مقیاس جهانی هستند و تمام رفتارشان معطوف به بستر اقامه حیات مادی است. یعنی الگوی توسعه غربی که الگوی توسعه مدرن است بستر اقامه فرهنگ، اخلاق و حیات مادی است. از این رو رسانه‌های ما نیز باید بستر تحقق پیشرفت و تمدن اسلامی باشند. در این بحث چند نکته حائز اهمیت است. یکی این‌که استراتژی هدایت سازمان صداوسیما، باید استراتژی دیگری باشد. ما در خلائیستیم که برای خودمان طراحی کنیم و کسی با ما کار نداشته باشد. ما در فضای دیگری با تمدن مادی و امپراتوری هنری و رسانه‌ای غرب هستیم که قرن‌ها روی آن کار شده و پشتیبانی گسترده‌ای در زمینه سیاست، اقتصاد، علوم و فناوری دارد. ده‌ها آکادمی، دپارتمان تحقیقاتی، پژوهشگاه و آموزشگاه در خدمت این تفکر است و از سوی ده‌ها رشته علمی و همچنین سرمایه و قدرت‌های سیاسی بزرگ حمایت می‌شود. ما در فضای دیگری با چنین تمدنی هستیم و خودمان را در این مقیاس باید تعریف کنیم. اگر انسان نداند یا چه کسی مواجه است، مقیاس و تراز کار خود را نمی‌فهمد. در جبهه مقابل ما، رقیب ما امپراتوری هنری و رسانه‌ای غرب است که جهان را به سمت آرمان‌ها، اوتوپیا و تصویری که از آینده دارد، حرکت می‌دهد. درگیری انقلاب اسلامی با این تمدن مراحلی را پشت‌سر گذاشته و اکنون در مرحله جنگ شناختی هستیم. یعنی بسیاری از ابزارهای دشمن در این جنگ از کار افتاده‌است، مثلاً ابزار جنگ مخملی- جنگ‌هایی که از طریق انتخابات آغاز می‌شود. دیگر شکست خورده‌است. پس آنها دیگر این روش را تکرار نخواهند کرد مگر

این‌که تحولات جدی در این روش ایجاد کنند و آن را با جنگ نظامی و... بخواهند پیش ببرند. مهار دیپلماتیک نیز در حال شکست‌خوردن است. در بحث محاصره اقتصادی که جنگ بزرگی است، به نوعی در حال عبور از مرزهای آن هستیم؛ مهم‌ترین مرحله که اکنون با آن مواجهیم جنگ شناختی است و ابزار عمده آن هم امپراتوری رسانه‌ای و هنری است که با علوم شناختی گسترده مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد. در این جنگ شاخص‌های به‌نسبت زیادی نشان می‌دهد که موفق بوده‌ایم.

بعد از گسترش برخی گرایش‌ها و رویکردها در علم روان‌شناسی و کار کردن روی ناخودآگاه انسان از طریق علوم شناختی، همچنین سامان دادن بخش خودآگاه و تأثیر بر اراده‌های انسانی، پیش‌بینی آنها این بود که به‌سرعت از فضای انقلاب اسلامی عبور کنند اما در عمل این‌طور نشد و خودشان هم نمی‌توانند تحلیل کنند که چرا این همه تلاش، نمی‌تواند

ناخودآگاه این ملت را آن‌طور که آنها می‌خواهند تغییر دهد. امروز که در مرحله جنگ شناختی هستیم، جبهه مقابل ما دستگاه بزرگی است که از پیشانی بنگاه‌های خبری بزرگ، هالیوود، تلویزیون و شبکه‌های مجازی برخوردار است و عقبه آن یک دستگاه عظیم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. درواقع ما با یک تأثیر و دروغ بزرگ به وسعت یک‌تمدن مواجه هستیم. کل این تمدن یک دروغ بزرگ است. نمی‌گویم باطل محض است چون باطل محض هیچ طرفداری پیدا نمی‌کند. بهتر است در این باب به خطبه ۵۰ حضرت امیر در نهج‌البلاغه مراجعه کنیم. وقتی بحث از بدعت‌ها می‌شود، ایشان می‌فرماید: «اگر باطل به‌طور کامل از حق جدا شود، دیگر کسی فریب آن را نمی‌خورد.» وقتی حق و باطل در دستگاه شیطان به هم آمیخته شود، بستر فریب فراهم می‌گردد. اگر به تعبیر قرآن بخواهیم بحث کنیم با یک بناء فاسق مواجه هستیم. وقتی در سوره حجرات بحث امت‌سازی در تبعیت از نبی اکرم مطرح می‌شود، این توصیه می‌شود که اگر نمی‌خواهید پیامی بالاتر از پیام انبیاء به جهان برسانید، دنبال این مرد حرکت کنید که دست او پر است. نه‌طرحی را پیش از او زمین بگذارید و نه اصوات خود را از او بالاتر ببرید. مفهوم اخلاقی‌اش این است که در امت‌سازی، صدایی که باید درعالم طنین‌انداز شود، صدای حضرت و دعوت ایشان است و به همین دلیل است که صدای امیرالمومنین طنین صدای نبی اکرم است اما صدای معاویه، صدای یک امپراتوری است. وقتی خداوند تعالی این نکته را بیان می‌کند از داستانی قبل از آن می‌گوید که در مورد بناء فاسق است. اکنون با چنین نبائی مواجه هستیم. بناء دستگاه فسق امروز از طریق امپراتوری رسانه‌ای منتشر می‌شود. اوضاع روانی عالم را به هم می‌زند و از طریق رسانه وقایع را سامان می‌دهد. البته نه آن انسان محوری و کرامت کار این است که ابتدا ناخودآگاه انسان را تحت تصرف قرار می‌دهند و از آن طریق به خودآگاه انسان می‌رسند و معتقدند که از طریق مهندسی ناخودآگاه می‌توان بخش خودآگاه را تصرف کرد. به این ترتیب انسان خیال می‌کند خودش در حال تصمیم گرفتن است و احساس آزادی می‌کند اما در واقع تحت اسارت آن برنامه‌ای قرار دارد که ناخودآگاه او را در دست گرفته‌است. همان کاری که امروز امپراتوری رسانه‌ای مدرن انجام می‌دهد. اصل اساسی و ارزش بنیادین این تمدن بیرون زدن از اصل توحید و خودمحوری است. یعنی انسان محوری در مقابل پرستش خدا. البته نه آن انسان محوری و کرامت انسانی که انبیای می‌گویند. این بناء، با‌بناء اسلام و نبی اکرم درگیر است. انقلاب اسلامی طنین مجدد همان بناء درعالم است و درگیری حال حاضر در این مقیاس تعریف می‌شود یعنی مقابله با یک خیر فاسفی که در جهان امروز مقابل بناء نبی اکرم قرار گرفته و به اصطلاح یک افک بزرگ است که ما باید این افک را به نوعی خنثی و افشا کنیم.

**انسان سازی در تراز تمدن اسلامی** ماموریت رسانه‌ای ما، تربیت انسان در تراز تمدن اسلامی، انقلاب اسلامی و عصر ظهور است. کما این‌که ماموریت رسانه غرب، تربیت انسان در تراز عصر روشنگری است با مختصاتی که برایش تعریف می‌کند. ما باید انسانی تربیت کنیم که ادراک ایمانی‌اش نسبت به همه عرصه‌ها فراگیر باشد. درک ایمانی او از بندگی خدا و دینی که انبیا آورده‌اند یک ادراک فراگیر باشد، نه این‌که ایمانش متعلق به یک عرصه خصوصی باشد و وقتی وارد عرصه اجتماعی می‌شود به‌دنبال پیامبران عصر روشنگری برود. باید درک ایمانی حداکثری و فهم مومنانه از میدان‌های دیگری بزرگ داشته باشد و بتواند فهم مومنانه‌ای از دیگری در مقیاس تمدن داشته باشد. انسانی که این رسانه می‌خواهد تربیت کند و انسانی که فهم مومنانه‌اش از دین حداکثری است و رابطه دین را با همه مناسبات حیات خود اعم از فردی، اجتماعی و تاریخی می‌فهمد و میدان‌های دیگری را بر اساس این فهم مومنانه به تصویر می‌کشد. دغدغه او درگیری طبقه کارگر با سرمایه‌دار نیست. او دربی دیگری امت اسلامی با دستگاه کفر است و باید فهم مومنانه‌ای از میدان‌های دیگری و درک روشنی از نحوه مواجهه با تمدن رقیب و جبهه مقابل داشته باشد.

#### هوشیاری در نبرد شناختی

فهم بعضی‌ها در مواجهه شدن با تمدن مدرن فهم تقابل نیست؛ این افراد تجددگرا هستند و از نظر آنها تنها مسیر سعادت، آن است که باید در همین مسیری که پیش روی‌مان گذاشته‌اند، استحاله شده و از مغز سر تا نوک یا غربی شویم. در مقابل بعضی‌ها می‌گویند باید از آن گریخت و منزوی شد. عده‌ای هم تجددگرن هستند و می‌گویند دراین مسیر باید خوب‌ها را جدا و بد‌ها را کنار بگذاریم ولی جماعتی هم هستند که رویکردشان تمدنی است و می‌گویند باید از بستر این فضای مزاحم عبور کرد و آن را در اقتضانات تمدنی خودمان استحاله کنیم. از نظر آنها باید تک‌تک اجزای آن مثل تکنولوژی، علم، روابط اجتماعی، ساختارها و سبک زندگی‌اش را استحاله کرد. امروز سایه سنگین آن برجهان افتاده و بعد از جنگ اول و دوم جهانی، دولت‌ملت‌ها را گسترش دادند و منتاسب با آن سازمان ملل درست کردند. در حقیقت بعد از دو جنگ بزرگ، وضعیت روانی جهان را با ده‌ها میلیون کشته آماده پذیرش کردند و با یک خشونت بزرگ ملت‌ها را زیر چتر نظم جهانی بردند که اکنون ما در فضای آن زندگی می‌کنیم. فهم مومنانه از این فضای شیطانی و نوع دیگری و مواجهه‌شدن با آن نه انزواست، نه نه درگیری کور، نه انفعال و تجددپذیری و نه تجددگرینی. ما می‌خواهیم به سمت عصر ظهور و مقدم بر آن تمدن اسلامی حرکت کنیم و برای رسیدن به این هدف باید از بستر یک درگیری بزرگ بگذریم. باید فضای کنونی را در فضای دیگری استحاله کنیم و اسلام ظرفیت استحاله تمدن‌های مادی را در درون خود دارد. این حرف کسانی است که گفت‌وگوی تمدنی دقیق دارند، پس باید از این بستر عبور کرده و نسلی

را تربیت کنیم که دارای درک ایمانی حداکثری است و جبهه کفر را می‌شناسند. این نسل فضای دیگری همه‌جانبه را می‌فهمد. نه می‌خواهد استحاله شود و نه جنگ کور کند. قصد فرار از میدان را هم ندارد؛ می‌خواهد بایستد و به سلامت از این میدان عبور کند و تمدن الهی را بسازد. حاج‌نادر طالب‌زاده جزو همین آدم‌ها بود. این دعوی تمدنی را می‌فهمید و به عمق استراتژیک انقلاب اسلامی و میدان‌های دیگری آگاه بود؛ همچنین در برابر ایدئولوژی، انقلاب علمی، انقلاب صنعتی و وسعت فناوری، سبک زندگی و ساختارهای جهانی غرب تسلیم نبود. شهیدآوینی نمونه دیگری از این آدم‌ها بود. باید انسان‌هایی در این تراز تربیت کنیم تا از دل این تلاش یک تمدن جدید بسازیم و گفتمان‌سازی کنیم. گفتمانی در مقابله با گفتمان‌هایی که به عنوان رقیب حضور دارند و بین آنها تجددگرا‌ها که گفتمان انفعال را دنبال می‌کنند، انزواگرا‌ها که گفتمان انزوا را انتخاب کرده‌اند و طرفداران گفتمان درگیری کور نیز مشاهده می‌شوند اما تربیت نسلی که بتواند جامعه را از این گفتمان‌ها عبور دهد، هدف و ماموریت رسانه است.

**تصویری جامع از حیات برای بشر امروز** پس از اشراف رسانه نسبت به میدان دیگری و رسیدن به تصویری روشن از انسان و جامعه ترازکی که قصد ساختن آن را دارد، از مهم‌ترین نکاتی که در قدم بعد باید حتما در ذهن ما باشد

بحث تصویراست. باید تصویر جامعی از حیات پیش روی انسان‌ها بگذاریم تا بتوانند حرکت کنند. غربی‌ها این کار را می‌کنند و آرمان‌شهر ارائه می‌دهند. روای آمریکایی در همین مسیر است. البته ترکیبی از عقلانیت و تخیل است، یک فضای کلی که در آن تمام نیازمندی‌های انسان در یک شکل آرمانی به قله خود می‌رسد تا انسان رشد کند. بعد آنها نسبت بین این تصویر را با حیات برقرار کرده و انسان را به حرکت درمی‌آورند.

#### نمایش

### تمدید مهلت چهار فصل تئاتر ایران

مدیر دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری گفت: فرصت دریافت ایده‌های اولیه برای فصل یازدهم پروژه «چهارفصل تئاتر ایران» تمدید شد.



ایوب آقاخانی به‌عنوان طراح و سرپرست پروژه جامع آموزش نمایشنامه‌نویسی برای خارج از پایتخت با عنوان چهارفصل تئاتر ایران به درخواست علاقه‌مندان از تمدید مهلت ارسال ایده‌های اولیه در پاسخ به فراخوان فصل یازدهم از دور نوین این پروژه با نام «تئاتر و جامعه سالم» تا روز شنبه، سوم تیر ماه ۱۴۰۲ خبر داد.

علاقه‌مندان به شرکت در این فرآیند نمایشنامه‌نویسی توأم با آموزش کارگاهی که به چاپ آثار منتخب ختم می‌شود، می‌توانند در راستای محتوای فراخوان فصل یازدهم ایده‌های موجز و اولیه خود را به دبیرخانه این پروژه از طریق پست الکترونیکی fas4.drama@gmail.com ارسال کنند. اعضای هیات علمی این فصل به‌زودی معرفی خواهند شد.

#### نگارخانه

### طراحی‌هایی با موضوع «اختلال چندگانه»



نمایشگاه انفرادی «اختلال چندگانه» شامل آثار سمانه اسحاقی که از ۱۹ خرداد آغاز به کار کرده تا ۳۰ خرداد در گالری والی میزبان علاقه‌مندان است. سمانه اسحاقی درباره نمایشگاه اختلال چندگانه گفت: اختلال چندگانه عنوان نخستین نمایشگاه انفرادی من است و دراین نمایشگاه ۴۰ طراحی را که در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ خلق کرده‌ام را به نمایش گذاشته‌ام. او درباره وجه تمسبه انتخاب عنوان اختلال چندگانه گفت: اگر زندگی یک فریم نامنقطع باشد، بروز اختلال در آن شکلی از پارازیت را پدید می‌آورد. این غریبه تازه‌وارد که خود را تحمیل کرده برآن است تا از راه ایجاد نقصان، پیوستگی زندگی را تهدید کند. مثل موتورکی که نیم‌سوز شده این موجود مزاحم و سمج قرار است در ما برای همیشه با دست‌کم برای مدتی طولانی خانه کند. از این‌رو کوشید‌ام تا نه فقط در خود، بلکه با جست‌وجوی اشکال دیگر اختلال در محیط پیرامون به این ضرورت پاسخ بدهم. اسحاقی درباره موضوعات این نمایشگاه هم گفت: آثار این مجموعه از نظر موضوعی متنوع است و دغدغه‌های فردی، اجتماعی و محیط‌زیستی از جمله موضوعاتی بوده که به آنها پرداخته‌ام و اثر تلاشی برای به نمایش گذاشتن اختلالی چندگانه است.

#### قاب

### اجرای ویژه «خوشدلان» در ایران‌شهر

نمایش «خوشدلان» نوشته سعید پورصمیمی، کارگردانی پریزاد سیف و تهیه‌کنندگی سعید خانی روز شنبه ۲۷ خرداد اجرای ویژه خواهدداشت. این اثر نمایشی که از دوم خرداد اجراهای خود را در سالن ناظرزاده کرمانی آغاز کرده و تاکنون میزبان بیش از ۳۰۰۰ تماشاگر بوده‌است، در اجرایی ویژه ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه شنبه ۲۷ خرداد روی صحنه می‌رود. در این نمایش سعید پورصمیمی، مسعود کرامتی، بهرام ابراهیمی، الهام پاوه نژاد، پریزاد سیف، رضا مولایی، بهروز پوربزرگ، شاهین علایی‌نژاد، علی پویا قاسمی، شهاب عباسیان، حامد موحی‌نژاد، رضا فیض‌بخش و مریم محبی به ایفای نقش می‌پردازند.

